

«یازگار» و «یادگار»، و انشقاق اولیه

مهرداد نغزگوی کهن (استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

در شماره اول مجله فرهنگ‌نویسی، آقایان سجاد آیدنلو، ابوالفضل خطیبی و علی اشرف صادقی در یادداشت‌هایی، با ارائه دلایل و شواهد مختلف، نظر خود را در مورد معنی و املاهای «یازگار» و «یادگار/ یادگار» در نسخه‌بدل‌های شاهنامه بیان داشته‌اند. به لحاظ املائی نیز صادقی، با ارائه شواهدی از پهلوی و فارسی نو متقدم، صورت «یازگار» را صورتی اصیل دانسته است. به نظر نگارنده، گفته اخیر تنها در صورتی می‌تواند صحیح باشد که صورت املائی «یازگار» را کلمه کاملاً متمایزی در نظر بگیریم که با «یادگار» و معناهای آن ارتباطی نداشته باشد. در این نوشته، سعی می‌کنیم با توضیح بعضی از تغییرات منظم آوایی / واجی فارسی صحت این مطلب را ثابت کنیم.

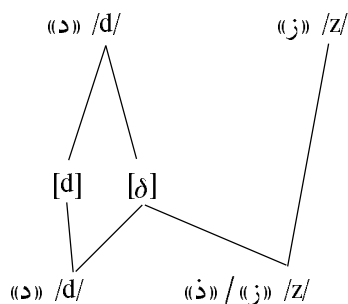
«د»، «ذ» و «ز»

در فارسی امروز، دو حرف «ذ» و «ز» به یک صورت تلفظ می‌شوند و نشان‌دهنده واج /z/ هستند. این واج در تقابل با واج /d/ («د») قرار دارد. در قرون متقدم هجری، نظام واجی فارسی به صورت دیگری بوده است. «ذ»، که به‌طور سنتی «ذال معجمه» نامیده می‌شده، در این دوره، یکی از واجگونه‌های واج /d/ بوده است. «ذ» به صورت یک سایشی پشت دندانی ضعیف (یعنی [ɖ]) تلفظ می‌شده است و در توزیع تکمیلی با «د» [d] قرار داشته است (← صادقی ۱۳۵۷، ص ۱۲۶، نیز برای بعضی شواهد دیگر در تأیید وجود

واجگونه [δ] ← (pisowics 1985, 108). در کلمات اصیل فارسی کاربرد «ذ» نشان‌دهنده تلفظ سایشی واج /d/ در جایگاه‌های میان‌واکه‌ای یا پس‌واکه‌ای بوده است. شمس قیس (المعجم، ص ۲۲۱) درباره ذال معجمه چنین می‌گوید:

«هر ذال کی ماقبل آن یکی از حروف مدّ و لین است چنانک با ذوشاذ و سود و شنوذ و دیز و کلیذ یا یکی از حروف صحیح متحرکست چنانک نمذ و سبذ و دذ و آمد همه ذال معجمه‌اند» بعدها، با تغییر آوایی زبان فارسی، [δ] یا دوباره به صورت واج اصلی /d/ («د») درآمده است یا از این واج جدا شده و با واج /z/ ادغام شده است. در زبان‌شناسی تاریخی، به تغییراتی از نوع اخیر یعنی انشقاق به همراه ادغام، انشقاق اولیه^۱ می‌گویند (← Trasks 1996). از رواج افتادن واجگونه [δ] از قرن پنجم هجری شروع شده است:

«از حدود قرن پنجم هجری در شرق ایران «ذ» فارسی به تدریج به «د» بدل شده تا آنجا که در قرن هفتم و هشتم در فارسی معیار و در فارسی گفتاری بسیاری از مناطق دیگر اثری از تلفظ «ذ» باقی نمانده بوده است. بعضی از شعرا و عروض‌دانان برای آنکه شعرای جوان «ذ» را با «د»، قافیه نکنند قاعده تلفظ «ذ» را تدوین کرده و بارها آن را گوشزد کرده‌اند. با این حال، با همه وزنی که سنت شعری ایران داشته و با همه کوششی که شعرا و عروضیان به کار بسته‌اند، این تلفظ به زبان پرنگشته است». (صادقی ۱۳۶۷ الف، ص ۸۷؛ نیز ← صادقی ۱۳۵۰، ص ۴۷) تغییر مورد نظر (یعنی انشقاق به همراه ادغام) را می‌توان با شکل زیر نشان داد (برای موارد دیگری از انشقاق و ادغام در فارسی و شواهد بیشتر ← نغزگو ۱۳۸۳):



در خط فارسی امروز موارد ادغام واجگونه [δ] با [d] با حرف «د» بازنموده می‌شود که نشان‌دهنده واج /d/ است. موارد انشقاق [δ] از واج /d/ و ادغام آن با واج /z/ نیز با حرف

1) primary split

«ذ» نمایش داده می‌شود که مانند حرف «ز» نشان‌دهنده واج /z/ است. تعداد کلماتی که در آنها انشقاق اولیه رخ داده است کم است و از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گذشتن، گذاردن، گذر، گذار، و جز آن.

این تغییر در نظام واجی تدریجی بوده است و، به علت معیار نبودن فارسی در قرون اولیه هجری، وجود مراکز قدرت محلی و دلایل دیگر در همه مناطق نیز به یکباره و به صورت یکنواخت اتفاق نیفتاده است. مثلاً در بعضی از لهجه‌های ایرانی، مثل لهجه دوانی و بختیاری، هنوز هم می‌توان صورت قدیمی (یعنی واجگونه [δ]) را مشاهده کرد. (ص ۱۳۶۷ ب، ص ۳)^۲

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد هیچ گاه انشقاق اولیه در خط فارسی به طور نظام‌مند با حرف «ز» نشان داده نشده و همیشه از املائی سنتی «ذ» یعنی «ذال معجمه» برای نمایش واج /z/ استفاده شده است (البته بجز موارد معدودی که صادقی از لغت فرس به دست داده است). بنابراین، اگر در متنی به طور استثناء به جای «ذ»، حرف «ز» به کار رفته باشد، سه دلیل می‌توان برای آن اقامه کرد:

۱. استفاده از «ذ» را می‌توان به خطای کاتب نسبت داد. کاتبان ممکن است تحت تأثیر تلفظ حقیقی و گفتاری کلمه قرار گرفته باشند و، چون بسامد وقوع «ز» بالاتر از «ذ» است، این دو را با هم خلط کرده‌اند.
۲. دو کلمه مشابه با معنای متفاوت ممکن است وجود داشته باشند که تنها از نظر یک حرف /آوا/ با هم تفاوت داشته باشند؛ مثل: «ز» و «ذ» در کلمات «گزاردن» و «گذاردن».
۳. امر غیرمحمتمل‌تر این است که فرض کنیم انشقاق ثانویه قبل از کاربرد خط

(۲) ظاهراً در بعضی مناطق ایران نیز کلیه ذال‌ها به واج «د» بازگشته‌اند و دوباره در آن ادغام شده‌اند؛ یعنی انشقاق همراه با ادغام در واج /z/ رخ نداده است. نکته جالب توجه این است که این وضعیت در بعضی از متون نیز منعکس شده است. مثلاً، در نسخه اساس اسکندرنامه، «ذ» حتی در کلمات «گذار، گذر، گذاشتن، گذشتن» و جز آن وجود ندارد ولی مصحح این کلمات را در نسخه چاپی با ذال معجمه ضبط نموده است (تنها نسخه موجود اسکندرنامه متعلق به قرن نهم هجری است). در کتاب آداب‌الحرب نیز ذال معجمه حتی در کلمه گذاره [گذرگاه] (ص ۳۴۷) وجود ندارد. در تفسیر بصائر یمنی، بجز کلمه موبد (ص ۱۲۱) در تمامی موارد «د» به کار رفته است، حتی مواردی که امروزه با ذال معجمه نوشته می‌شود: پذیرفتنی (ص ۲۶)، درگذار (ص ۱۱۷)، درگذارم (ص ۲۲۴)، گذر (ص ۱۲۲)، گذشتگان (ص ۴۹)، گذارنده (ص ۳۸۶). در فارسی امروز نیز «گذار» در اصطلاح «بی‌گذار به آب زدن» نشان‌دهنده روندی مشابه است.

فارسی - عربی برای نگارش فارسی رخ داده است؛ بنابراین برای نگارش آوای [z] از حرف «ز» استفاده شده است.

نتیجه‌گیری

تبدیل یکی از واجگونه‌های واج /d/ (یعنی [ð]) به /z/ مطابق با قوانین تغییرات آوایی در فارسی نو است، برای نشان دادن «انشقاق ثانویه»^۳ در خط فارسی از صورت قدیمی «ذ» استفاده می‌شود. تبدیل «ذ» قدیم به «ز» در خط بیشتر نشانه تصحیف و بی‌دقتی کاتبان می‌تواند باشد. از این رو، صورت «یازگار» نمی‌تواند صورت املایی صحیحی باشد، مگر اینکه «یازگار» را کلمه کاملاً متفاوتی بدانیم که هیچ ربطی به «یادگار» و معناهای آن نداشته است.

منابع

- اسکندرنامه، روایت فارسی کالیستنس دروغین، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۶.
- شمس‌الدین محمدبن قیس الرّازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد قزوینی با مقابله مجدّد با شش نسخه خطی قدیم و تصحیح مدرّس رضوی، کتابفروشی تهران، تهران [بی‌تا].
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۰)، «خصوصیات زبانی تفسیر پاک»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۷۷، ص ۳۹-۶۵.
- ____، (۱۳۵۷)، تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران.
- ____، (۱۳۶۷ الف)، «تحول زبان و تثبیت و معیارسازی آن»، مجله زبان‌شناسی، ش ۹، ص ۲-۱۲.
- ____، (۱۳۶۷ ب)، «یادداشتی درباره ساختمان واجی لهجه دوانی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۱۰، ص ۸-۲.
- مبارکشاه فخر مدبّر، محمدبن منصوربن سعید، آداب‌الحرب و الشجاعة، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، اقبال و شرکاء، تهران ۱۳۴۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۳)، «نقش فرایندهای ادغام و انشقاق در تغییر نظام واجی فارسی»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی، به کوشش ابراهیم کاظمی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، تهران، ص ۳۶۱-۳۷۲.
- نیشابوری، معین‌الدین، تفسیر بصائر یمینی، جلد اول به تصحیح علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۲.

- Pisowicz, Andrzej (1985), *Origins of the New and Middle Persian Phonological Systems*, Nakladem Uniwersytetu Jagiellonskiego, Krakow.
- Trask, R. L. (1996), *Historical Linguistics*, Arnold.

